

نقش زنان در پدید آمدن و فروپاشی شورش کردستان (دهه اول انقلاب)

نویسنده: دکتر محمد حسین الیاسی*

چکیده

شورش کردستان از روزهای آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی بتدریج سراسر مناطق کردنشین سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه را فراگرفت. در آن شورش، گروههای شورشگر، بویژه کومه‌له، با برخورداری از حمایت کشورهای خارجی و پشتیبانی جریان چپ مارکسیستی ایران، تلاش کردند تا با بهره‌گیری و «استفاده ابزاری» از زنان و دختران کرد و غیر کرد، آتش شورش ویرانگر را برای سالهای مدید روشن نگاه دارند. کومه‌له با راه‌اندازی و تأسیس هسته‌های مختلف تبلیغاتی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی حضور زنان را در تلاشهای شورشگرانه پررنگ کرد. اما، دیری نباید که نقش آفرینی فعال و مستمر زنان حامی نظام موجب زودده شدن آثار شورش از مناطق کردنشین شد.

واژگان کلیدی: شورش، ضد شورش، بحران، کومه‌له، دمکرات، چریکهای فدایی، سپاه، سازمان پیشمرگان مسلمان کرد.

مقدمه

در نهضتی که مردم ایران از سالهای ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) و برای از میان برداشتن نظام سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی، راه انداخته بودند، کردها نیز سهم و نقش انکار ناپذیری داشتند. بویژه در دو سال پایانی رژیم پهلوی دامنه های اعتراض و تظاهرات (خویشاں دان) کردها به ظلم و ستم نظام سلطنتی، از مراکز روشنفکری (دانشکده ها، مدارس و انجمنهای شهری) به مناطق دور افتاده روستایی نیز گسترش یافت (برای مثال مردم روستای بیساران مریوان هنوز بانگ اعتراض هر روزه جوانان خود را، که در تابستان، پاییز و زمستان ۵۷ علیه عوامل رژیم پهلوی سر می دادند به یاد دارند. همه آنان شهادت می دهند که سالها قبل از پیروزی انقلاب هر جمعه، بانگ رسای امام جمعه خود، ملا محمد ذبیحی، را که چند سال بعد به دست عوامل کومه له به شهادت رسید، علیه نظام پهلوی شاهد بوده اند).

حضور کردها در صحنه های مستمر اعتراض علیه رژیم پهلوی آنچنان چشمگیر بوده است که فیلسوفی همچون « میشل فوکو » را دچار شگفتی کرده است. او به همراه پی یر بلانشه در نوشتاری تحت عنوان « ایران: روح یک جهان بی روح »، که در سالهای آغازین انقلاب در فرانسه منتشر ساختند، می نویسد:

« یکی از مثالهای گویای این جنبش مردمی (انقلاب اسلامی) آن چیزی است که برای کردها روی داد. کردها، که اکثریت سنی مذهب اند و گرایشهای خود مختاری شان از دیر باز بر همه آشکار است، با زبان این قیام و این جنبش سخن می گفتند. همه فکر می کردند که کردها مخالف این جنبش اند، حال آن که آنان از این جنبش حمایت می کردند و می گفتند: « درست است که ما کرد هستیم اما پیش از هر چیز مسلمان ایم ».

هنگامی که از ویژگی کرد بودنشان با آنان سخن می گفتی ، کم و بیش واکنشی حاکی از خشم و عدم پذیرش نشان می دادند . آنان به زبان کردی به تو پاسخ می دادند «درست است که ما کردیم، بیش از هر چیزی ایرانی هستیم ، و در تمام مسائل و مشکلات ایران سهیم ایم ، ما می خواهیم شاه برود» . شعارهای کردستان نیز دقیقاً همان شعارهای تهران یا مشهد بود: درود بر خمینی ، مرگ بر شاه» (فوکو، ترجمه سرخوش و جهان دیده ، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

به گواهی تمام کسانی که شاهد قیام مردم کردستان علیه نظام سلطنتی بوده اند، در تمامی صحنه های قیام (اعم از تظاهراتها ، متینگ ها ، بایکوتها و...) زنان و دختران کرد پا به پای مردان کرد گام برداشته اند . آنان نیز همانند مردان شعار «استقلال، آزادی ، جمهوری اسلامی» سر داده اند و خواهان برچیده شدن نظام سلطنتی شده اند .

به اعتراف محققانی همچون تینگر (۱۹۸۳) پیروزی انقلاب اسلامی بیش از همه، مردم ستمدیده کرد را شادمان ساخت. چه، آنان آرزوی دیرینه خود، یعنی رفع ستم و استقرار نظامی عدالت محور و دین باور، را تحقق یافته احساس کردند . اما، شادمانی مردم کرد بزودی افول کرد. چون در حالی که هنوز نهادهای نظام شکل نگرفته بودند ، گروه ها ، دسته جات و افرادی که نظام جمهوری اسلامی را بر نمی تافتند و استقرار نظام جدید را مغایر با مقاصد ، منافع یا ایدئولوژی خود می دانستند ، رو به سوی کردستان نهادند و با حمله به اماکن نظامی و ادارات و سازمانهای دولتی، و معرفی خود با نام نمایندگان خلق کرد! تلاش کردند تادیواری بلند از بی اعتمادی بین کردها و نظام نوپای اسلامی بنا نهند و مانع از زدودن آثار ستم تاریخی بر سیمای مظلوم کردها شوند. طرفه آنکه ،بانی چنین تلاشهایی گروه هایی بودند که سران آنها تا واپسین روزهای حیات

رژیم سلطنتی در خارج از کشور به سر می بردند و سهم و نقشی در پیروزی انقلاب اسلامی نداشتند (مصاحبه عبدا... هجری، دبیر کل سابق حزب دمکرات را در نشریه دیدگاه شماره ۲ ویژه کردستان ببینید).

در مناطق کرد نشین از جمله نخستین تدابیر گروه‌های چپ مخالف نظام را برای مقابله با جمهوری اسلامی می توان « تلاش آنان برای جذب زنان و دختران کرد» تلقی کرد. در نوشتاری که در پی می آید نخست ادبیات مربوط به حضور زنان در شورشها مرور می شود. سپس میزان موفقیت یکی از آن گروه‌ها در همسو و همراه ساختن زنان و دختران کرد با خود و سهم و نقش آنان در اوج گیری و استمرار دامنه شورش کردستان بررسی می شود، آنگاه سهم و نقش زنان و دختران کرد و غیر کرد حامی نظام در فروپاشی و از میان رفتن شورش کردستان، مرور می شود.

مرور بر ادبیات موضوع

السون^۱ و دیگران (۲۰۰۲) در تحقیقی درباره شورشهای چند کشور آمریکای لاتین نشان داده اند که در بسیاری از آن شورشها زنان کارکرد فعالی داشته اند. به باور آنان « زنان شورشگر افزون بر کارکرد انگیزشی و روان شناختی، قادرند همراه و همگام با مردان شورشگر به مقابله نظامی با نیروها و سازمانهای ضد شورشگر پردازند» (ص ۱۵). این محققان در تأیید ادعای خویش اذعان داشته اند که « در بسیاری از شورشهایی که ما مورد بررسی و مطالعه قرار داده ایم زنان در نبردهای نظامی و فعالیتهای فیزیکی پا به پای مردان حرکت کرده و همواره کارکردی همانند آنان از خود نشان داده اند» (ص ۱۶).

ارنستو چه گوارا، چریک نام آور آرژانتینی نیز، در خاطرات خویش از نقش زنان در حرکت‌های چریکی بولیوی و کوبا، و برخی دیگر از کشورها، یاد می‌کند. او نیز بر این باور است که حرکت‌های چریکی، و اقدامات شورشگرانه، تنها زمانی فراگیر خواهد شد که زنان نیز در آن نقش آفرینی کنند. ادعای چه گوارا ریشه در باور ژرف مائو، رهبر انقلاب و شورش دهقانی چین، درباره کارکرد و نقش زنان در حرکت‌های شورشگرانه دارد. مائو (آسون و دیگران، ۲۰۰۲ را ببینید) معتقد است که زنان جامعه، اعم از زنان شهری و روستایی، با فراهم ساختن بسترها و شرایط مختلف، امکان پیروزی شورشگران را مهیا می‌سازند. او مدعی است که در انقلاب و شورش بزرگ او، زنان پایه پای مردان در راهپیمایی بزرگ سیاسی او شرکت کرده و نقش مهمی در پیروزی اش ایفا کرده‌اند.

برث^۱ (۱۹۹۹) نیز با تحلیلی درباره جنبشها و شورشهای قومی نشان داده است که در اعتراضات قومی اغلب بر انگیختن زنان علیه نظم موجود، سهل‌تر از برانگیختن مردان است. او در تایید ادعای خویش به عللی نظیر کمتر شمردن زنان در بین بسیاری از اقوام، احساس تبعیض فزاینده آنان و سرکوبگریهای مضاعف آنان اشاره می‌کند. به زعم او گروه‌های چریکی و سازمانهای شورشگر با بهره‌گیری به موقع از این ویژگیها می‌توانند خیل عظیم زنان و دختران اقوام را با خود همراه سازند. این محقق در بخش دیگری از تحلیل خود کارکرد زنان را در شورشها به کارکردهای روانی، اقتصادی، سیاسی و نظامی تقسیم کرده است. به عقیده او کارکردهای سه گانه اول اهمیتی فزون‌تر از کارکرد چهارم آنان دارد. با وجود این، او تایید می‌کند که در شورشهای گذشته، بویژه

^۱ - Barth

شورشهای مسلحانه قومی، زنان نیز همانند مردان در اقدامات نظامی و نبردهای مسلحانه شرکت داشته اند.

اینگرام^۱ (۲۰۰۳) در نوشتاری درباره شورشهای قومی، نقش زنان نخبه را در راه اندازی شورش و استمرار آنها مورد تحلیل قرار داده است. این نویسنده بر خلاف سایر محققان و نویسندگان، که در شورشها نقش درجه دوم برای زنان قائل اند و مردان را به عنوان هدایتگران شورشها معرفی می کنند، معتقد است که در برخی شورشها زنان در نقش لیدر توانسته اند توده های معترض را علیه نظم موجود و نظام سیاسی حاکم بشورانند. به عقیده او « زنان لیدر در این زمینه حتی می توانند از مردان لیدر موفق تر عمل کنند. چه، آنان با مهارتهای کلامی و ارتباطی می توانند در زمانی نه چندان طولانی بسیاری از معترضان را با خود همراه سازند».

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که اولاً در بسیاری از شورشهای چند دهه گذشته، زنان حضوری فعال و موثر داشته اند. ثانیاً در شورشهای قومی زنان می توانند کارکردهای متنوع و متعددی داشته باشند. ثالثاً کارکرد و نقش زنان را در شورشها نمی توان به کارکردهای دسته دوم و تحت رهبری مردان محدود ساخت. بلکه زنان می توانند در جایگاه لیدر و هدایتگر نیز ایفای نقش کنند.

سهم دختران و زنان کرد در پدید آمدن و استمرار شورش کردستان

گروه های شورشگر فعال در مناطق کردنشین، بویژه کومهله و حزب دمکرات و چریکهای فدایی خلق، از همان آغاز فعالیت خویش تلاش کردند تا در کنشهای مختلف ضد نظام، اعم از کنشهای سیاسی، نظامی یا تبلیغاتی، از زنان و

^۱ - Ingram

دختران کرد نیز بهره گیرند. در سطوری که در پی می آید مهم ترین اقدامات یکی از آن سه گروه شورشگر، کومه له، در بکارگیری زنان و دختران، و سهم دختران و زنان جذب شده به آن گروه در استمرار بحران، به اختصار مرور می شود.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) نخستین گروهی بود که در سطح فراگیر به جذب نیرو (اعم از هوادار یا عضو فعال) مبادرت کرد. این گروه در آغاز در پی آن بود تا با بهره گیری از مشی مائوئیستی یک شورش فراگیر دهقانی را علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی سازماندهی نماید. از همین رو، در آغاز شکل گیری (بهار ۱۳۵۸) بخش عمده تلاش خود را به دهقانان کرد معطوف کرد. اما، اندکی بعد، احتمالاً پس از کشته شدن تنی چند از رهبران پیرو مشی مائوئیستی آن گروه و با دستیابی عناصر مارکسیست به رهبری سازمان، یکباره کومه له، مشی مائوئیستی را به کناری نهاد و مشی «مارکسیست - لنینستی» را به عنوان راهبرد همیشگی سازمان برگزید.^۱

از آن پس سازمان فعالیت اصلی خود را معطوف جذب جوانان شهری، اعم از دختران و پسران، نمود. مهدی. الف. (یکی از عناصر تسلیمی کومه له) درباره اهمیت جذب دختران از نظر سازمان دهندگان اولیه آن سازمان اعتراف می کند که:

سران و سازمان دهندگان اولیه کومه له با الگوگیری از چه گوارا و احزاب چریکی مارکسیستی به این باور رسیده بودند که برای گسترش دامنه اعضا و هواداران خود، ناگزیر باید به جذب دختران، بویژه دختران شهری، بپردازند. چه، به زعم آنان حضور زنان و دختران در سازمان، عاملی موثر و محرکی مهیج برای کشاندن خیل عظیم پسران نوجوان و جوان به سازمان بود.

۱- نشریه شماره اشورش، ارگان کومه له را ببینید.

«بنکه» نخستین هسته شهری کومه‌له برای جذب زنان و دختران کرد بود. بنکه‌ها فعالیت خویش را از پاییز ۵۸ در تمام مناطق شهری آغاز کردند. [پاییز ۵۸ آغاز بازگشت گروه‌های شورشی از مناطق کوهستانی، مرزی و روستایی به شهرها بود. در پاییز ۵۸ تقریباً تمام مناطق کرد نشین، از اشنویه و سردشت در شمال، تا نوسود و نودشه در جنوب مناطق کرد نشین به اشغال گروه‌های شورشی در آمد، و تحصن محدودی از مهاجران کرد در مجلس خبرگان در تهران نتوانست عزمی در دولت وقت برای ممانعت از اشغال مناطق کردنشین از طرف گروه‌های شورشی‌گر و خلع سلاح یکی پس از دیگری پایگاه‌های ژاندارمری، ایجاد کند.]

کومه‌له در هریک از مناطق و محلات شهری مبادرت به تاسیس یک «بنکه» کرد. مدیریت بنکه‌ها به طور عمده به یک یا چند دختر دانشجوی مارکسیست سپرده می‌شد (برخی از این دانشجویان از اعضای حزب کمونیست ایران بودند و از سایر مناطق کشور راهی مناطق کردنشین شده بودند).

هربنکه حاوی چند هسته بود:

- ۱- هسته نظامی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- هسته آموزشی
- ۳- هسته تبلیغاتی
- ۴- هسته اطلاعاتی

هسته نظامی موظف بود «دختران و پسران محله را برای درگیریه‌های پارتیزانی آماده کند.» به همین سبب، هریک از اعضای بنکه کارکردن با کلاشینکوف، و ژ-۳ را فرا می‌گرفتند و با شرکت در چند مانور و راهپیمایی شهری، که هر هفته

حداقل یکبار انجام می شد، موظف بودند لباس کردی مردانه بر تن کنند و «جامه نانه» (چفیه) را به سبک مردانه بر سر بگذارند.

وظیفه هسته آموزشی آن بود که اصول مارکسیسم را به زبانی ساده، و به گونه‌ای که حساسیت مردم دیندار را بر نیانگیزد، به اعضای بنکه و سایر ساکنان محله آموزش دهد. به همین سبب، هریک از بنکه‌ها به صورت مستمر مبادرت به چاپ و نشر جزوات آموزشی و تشکیل کلاسهای ایدئولوژیک می کردند. همچنین، این هسته وظیفه داشت که دختران و پسران «مسئله دارا» محله را شناسایی، و آنان را توجیه ایدئولوژیک کند. افزون بر آن، این هسته اعضای خود را موظف می کرد که «هواداران نظام» و «مکتبی‌ها» را شناسایی نماید و مردم محله را مجبور سازد که آنها را «بایکوت» کنند.

اما کار هسته تبلیغاتی، که به طور عمده از طرف دختران تحصیل کرده صورت می گرفت، فراگیرتر از فعالیت هسته‌های دیگر بود. تقریباً تمامی عملیات روانی کومه‌له علیه نظام و هواداران نظام در محله‌ها، از طرف اعضای هسته تبلیغاتی بنکه صورت می گرفت. آنان موظف بودند بروشورهای تبلیغاتی و پیامهای عملیات روانی کومه‌له را، به صورت حضوری و رودررو، در اختیار تمام ساکنان محله قرار دهند. همچنین، آنان ساکنان محلات را مجاب و حتی وادار می کردند تا برنامه‌های رادیو کومه‌له را، که عصرها پخش می شد، گوش فرا دهند. سازماندهی زنان و دختران محله برای شرکت در میتینگها و راهپیمایی‌های مستمر شهری نیز از طرف اعضای هسته تبلیغاتی بنکه صورت می گرفت.

«هسته اطلاعاتی بنکه» وظایف حساس تری را بر عهده داشت. یکی از اولین وظایف اعضای این هسته «جمع آوری اطلاعات» و «جاسوسی» بود. اینان موظف بودند تمام فعل و انفعالات هواداران نظام در محله، بویژه فعالیت خانواده‌هایی

را که یکی از اعضای آنها به سازمان پیشمرگان مسلمان کرد (سازمان شبه نظامی ویژه نیروهای کرد طرفدار نظام) پیوسته بودند، زیر نظر بگیرند و به صورت مستمر گزارشهایی درباره آنها به رابطان اطلاعاتی کومه له ارایه دهند.

در طی مدت حضور فعالیت بنکه ها در مناطق کرد نشین صدها تن از هواداران نظام از سوی اعضای آنها شناسایی، دستگیر و به اصطلاح «محاكمه انقلابی!» شدند. حاصل این محاکمات فرمایشی نیز زندانی، شکنجه و شهید شدن گروهی از جوانان مسلمان و مبارز منطقه بود.

اگرچه بنکه ها مهم ترین هسته فعالیتی زنان کومه له بود، لیکن فعالیت زنان کومه له هرگز در سطح بنکه ها محدود نمی ماند. بلکه در واقع فعالیت در بنکه ها سرآغازی برای پیوستن به جرگه «پیشمرگان کومه له» بود. به همین سبب، اعضای فعال بنکه ها پس از مدتی به سازمان می پیوستند و فعالیت تشکیلاتی خود را رسماً آغاز می کردند. به همین سبب معمولاً بین یک سوم تا یک پنجم اعضای هر «مقر» کومه له را زنان تشکیل می دادند. البته این نسبت، پس از عقب نشینی گروه های شورشگر از شهرها و گریختن آنان به مناطق روستایی، یا حتی مناطق برون مرزی، بشدت کاهش یافت. گونه ای که مثلاً در یک گروه جوله (گشت) ۲۰ نفره کومه له معمولاً ۲-۳ زن بیشتر حضور نداشتند. با نزدیک شدن به سالهای دهه ۷۰، و پاکسازی تمام مناطق کرد نشین و گریختن اعضای کومه له به عراق، از تعداد زنان کومه له باز هم کاسته شد بگونه ای که در آن دهه تعداد زنان پیشمرگ فعال کومه له، نه سمپات آنان، به کمتر از ۱۰۰ نفر تقلیل یافت.

اما، زنان کومه له در سالهای ابتدایی شورش کردستان سهم و نقش قابل توجهی در استمرار شورش و انجام دادن فعالیتهای سیاسی، تبلیغاتی و نظامی علیه نظام

داشتند. در متن زیر برخی از فعالیتهای کومه‌له، که در آن نقش زنان شورشگر برجسته بود، مرور می‌شود.

راه اندازی تحصن مسجد جامع و استانداری سنندج

در نیمه دوم سال ۱۳۵۸، کومه‌له طی بیانیه‌های رسمی، و نیز در مذاکرات «شورای ملی کرد» با «هیئت حسن نیت» خواستار «خروج پاسداران از باشگاه افسران سنندج» شد. زمانی که این درخواست از سوی مقامات جمهوری اسلامی رد شد، کومه‌له، با همکاری سایر گروه‌های شورشگر، فعالیت گسترده‌ای را برای فشار به نظام جهت خروج پاسداران از سنندج آغاز کرد. تحصن مسجد جامع و استانداری یکی از آن اقدامات بود که زنان کومه‌له نقش بارزی در راه اندازی آن داشتند. کومه‌له برای گسترش دامنه آن تحصن، دختران و زنان خود را به مناطق مختلف شهری و روستایی گسیل می‌داشت و از طریق آنان از گروه‌های مختلف کرد درخواست می‌کرد تا به تحصن بپیوندند. حاصل این اقدام تبلیغاتی، افزایش تعداد متحصنین، و راه اندازی تظاهرات مختلف در خیابان منتهی به باشگاه افسران سنندج بود. این اقدام نمایشی و تبلیغاتی آنقدر استمرار یافت تا «هیئت حسن نیت»، که مرکب از آقایان سحابی، صباغیان و فروهر بود، تسلیم خواسته‌های گروه‌های شورشگر شد و پاسداران را از باشگاه افسران خارج و به جای آنان ارتشیان لشکر ۲۸ سنندج را مستقر نمود.

جمع آوری کمکهای نقدی و جنسی

کومه‌له برای آنکه وانمود سازد که «در مبارزات خود متکی به توده‌های خلقی است!» اغلب، نیروهای خود، از جمله دختران و زنان را به مناطق مختلف شهری

و روستایی گسیل می داشت تا کمکهای خلقی به « شورش کردستان » را جمع آوری نمایند. آن گروه سپس کمکهای جمع آوری شده را به نمایش عمومی می گذاشت تا همگان را مجاب سازد که «سر در آخور بیگانگان » ندارد.

اعزام زنان روشنفکر به خارج از کشور

کومه‌له یک سازمان چپ کمونیستی بود. از همین رو پیوسته در تلاش بود تا حمایت کشورهای مارکسیستی دنیا، بویژه اروپای شرقی و نیز برخی کشورهای آمریکای لاتین را جلب کند. به همین سبب اغلب از طریق ترکیه و عراق مبادرت به اعزام « هیئتهای روشنفکران!»، مرکب از زنان و مردان تحصیل کرده خود، به آن کشورها می نمود تا احزاب و سران حکومتی آن کشور را مجاب سازند که هم کمکهای مادی خود را در اختیار آنان قرار دهند و هم در مجامع جهانی از آنان حمایت کنند. افزون بر آن، هیئتهای اعزامی گروه‌های مختلف سیاسی و خبری را از کشورهای اروپای شرقی، اروپا و آمریکا دعوت می کردند تا به کردستان مسافرت کنند و از آن مناطق گزارش و خبر تهیه کنند. حاصل این اعزامها نیز، تهیه گزارشهای متنوع و پخش و نشر آنها از رسانه های مختلف جهان بود.

حضور فعال در دستگاه تبلیغاتی کومه له

کومه‌له برای اثبات موجودیت خود، جذب توده های مختلف کرد، و تخریب روحیه نیروهای هوادار نظام، بسی بیش از گروههای دیگر از « تبلیغات » و « عملیات روانی » بهره می گرفت، چه کومه‌له سازمانی فاقد « پیشینه »، و رهبری « کاریز ماتیک » و « کادرهای مشهور » بود. از همین رو، برای معرفی خود، بویژه در برابر حزب دمکرات، سازمان چریک های فدایی خلق و حزب توده (که آنها

را رقبای خود می پنداشت) و «عضو گیری» گسترده، ناگزیر از بهره گیری از تبلیغات و عملیات روانی، در مقیاس گسترده بود، نیازی به بیان نیست که در این قلمرو زنان می توانند نقش بارزی را ایفا کنند. به همین سبب، کومه له در «دستگاه تبلیغاتی و عوام فریبانه» خویش از حضور و کنش وری زنان و دختران بهره فراوان می برد. زنان کومه له با

- تهیه و پخش برنامه های رادیویی ،
- تهیه و نمایش فیلمهای کوتاه و مستند،
- انتشار نشریه شورش،
- تهیه و انتشار برگه های تبلیغاتی ،
- انتشار و توزیع پوسترهای عملیات روانی،
- انتشار بیانیه های مستمر کومه له،
- سخنرانی در اماکن عمومی،
- گفتگو با دختران جوان و ترغیب آنان برای پیوستن به کومه له،
- توزیع و پخش کتب مارکسیستی،
- کتابخوانی در معابر و اماکن عمومی،
- مصاحبه با خبرنگاران و گزارشگران خارجی، تهیه و ارسال مطلب برای نشریات کشوری حامی جریان چپ،
- راه اندازی متینگهای تبلیغاتی،

و چند فعالیت تبلیغاتی دیگر، در افزایش بدنه سازمانی کومه له و معرفی آن در ماه های آغاز شکل گیری ، همچنین در استمرار فعالیت شورشگرانه آن گروه، طی یک دهه شورش کردستان سهم مهمی داشتند.

راه اندازی تحصن خیابانی در خیابان ورودی سنندج

در آغاز سال ۱۳۵۹ نظام در صدد برآمد تا حضور نظامی خود را در مرزهای غربی کشور افزایش دهد. به همین سبب در اولین روزهای فروردین ماه همان سال به اعزام چند یگان مکانیزه و پیاده ارتش به غرب کشور مبادرت کرد. این یگانها در پی آن بودند تا از سنندج عبورکنند و خود را به مرز مریوان و بانه برسانند. کومه‌له با آگاهی از این موضوع، بلافاصله از طریق بنکه‌ها و دستگاه تبلیغاتی خویش، صدها تن از هواداران دختر و پسر خود را از سنندج و سایر شهرهای کردستان، سازماندهی، و آنها را در جاده ورودی سنندج در برابر ستون عظیم ارتش، متحصن ساخت.

در میان متحصنین حضور دختران نوجوان و جوان برجسته می نمود. اینان بر اثر تبلیغات فراگیر « دستگاه عملیات روانی کومه‌له » چنین پنداشته بودند که ستون عظیم ارتش در صدد ورود به شهر و « راه انداختن حمام خون » است. از همین رو به تحصن پیوسته بودند تا « از قتل عام مردم بی گناه کرد جلوگیری کنند! » گواه این ادعا سخنان یکی از زنانی است که در آن تحصن حضور داشته است. او در گفتگو با راقم این سطور اذعان داشت:

« من آن موقع ۱۵ سال داشتم و دانش آموز یکی از دبیرستانهای سنندج بودم. چند تن از اعضای زن کومه‌له به محله ما آمدند. از ما خواستند در حیاط یکی از مدارس محله جمع شویم... آنان به ما گفتند جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است تا یک کشتار دسته جمعی راه بیندازد و زن و مرد کوچک و بزرگ را از دم تیغ بگذرانند. آنان گفتند که جمهوری اسلامی به کسی رحم نمی کند... به ما گفتند چاره ای نداریم جز آنکه مانع از ورود نظامیان حکومت به شهرها یمان شویم و سپس از ما خواستند تا برای حفظ جان، حیثیت و شرف خویش در

جاده ورودی سنندج تحصن کنیم و مانع از ورود نظامیان به شهرو قتل عام مردم شویم... ما گفته های آنها را عین حقیقت می دانستیم ، به همین خاطر همان روز به جمع متحصنان پیوستیم ... دریا که فریب « عوام فریبی» و « یاوه گویی » کومه له را خورده بودیم . من این را خیلی زود فهمیدم، به همین دلیل بعد از آن هیچ وقت قدمی برای کومه له برنداشتم».

«تحصن جاده ورودی» چند روز به درازا کشید و تلاش فرماندهان ارتش در مجاب کردن متحصنان برای بازکردن راه ورود یگانهای ارتش سودی نبخشید. تا اینکه سرانجام فرمانده نادان یگانهای متوقف شده، تصمیم می گرفت تا آن یگانها را از جاده کمربندی ، که از دامنه کوه های سنندج می گذشت، عبور دهد. غافل از آنکه گروه های شورشگر از پیش دست او را خوانده و در کوه های مشرف بر آن جاده سنگر گرفته اند (یکی از تسلیمی های کومه له مدعی است که هدف از تحصن سنندج آن بود که ارتش را وادار سازند تا یگان های خود را از جاده کمربندی عبوردهد. چون در آن مسیر راحت می شد آنها را مورد حمله قرار داد).

با ورود یگانهای ارتش به جاده کمر بندی، صدها تن از نیروهای شورشگری که در آن مسیر سنگر گرفته بودند، آن یگانها را مورد یورش قرار داده و آنها را مغلوب ساختند . اما، گرچه حمله گروه های شورشگر به یگانهای ارتش، نیروهای انقلاب را متاثر نمود، لیکن به مصداق « عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» با یورش شورشگران به یگانهای ارتش، سپاه و پیشمرگان مسلمان کرد بلافاصله از کرمانشاه و کامیاران عازم سنندج شد و عزم خود را برای پاکسازی مناطق کرد نشین جزم نمودند و عهد بستند که « دمی نیاسایند مگر اینکه همه آن

مناطق را آزاد سازند» و به این ترتیب «استارت» عملیات آزاد سازی مناطق کردنشین «زده شد».

شرکت در نبردهای مسلحانه

یکی دیگر از فعالیتهای زنان کومه‌له شرکت در نبرد مسلحانه بود که هم در عملیات آزاد سازی سنندج و هم در سایر نبردهایی که نیروهای نظام در برابر نیروهای شورشگر قرار گرفتند و ده‌ها تن از زنان مسلح کومه‌له شرکت داشتند. بر اساس اطلاعات مندرج در سایت اینترنتی کومه‌له، طی یک دهه شورش در کردستان، ده‌ها تن از زنان کومه‌له کشته و صدها تن اسیر و مجروح شده‌اند. همچنین طی شورش کردستان صدها تن از زنان مسلح کومه‌له خود را به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تسلیم کردند.

اما، طرفه آنکه علی‌رغم ادعای کومه‌له مبنی بر برابری نقش زنان و مردان عضو آن گروه، هیچ‌یک از زنان عضو کومه‌له به کادر رهبری آن گروه دست نیافتند. همچنین، فرماندهی هیچ‌یک از هسته‌های نظامی کومه‌له به زنان سپرده نشد. خلاصه آنکه، زنان کومه‌له هرگز از سطح یک «بیشمرگ ساده» فراتر نرفتند، یا به قول شهین‌الف (یکی از اعضای تسلیمی کومه‌له)

کادر رهبری کومه‌له، علی‌رغم تمام هیاهوهای تبلیغاتی، زنان را باور نداشتند. آنان تنها بدان سبب از حضور زنان در یگانهای نظامی، و هسته‌های غیر نظامی خود استقبال می‌کردند که زمینه را برای عضوگیری بیشتر از مردان، فراهم کنند.

به تعبیر روشن‌تر، کومه‌له تنها در پی بهره‌گیری و «استفاده ابزاری» از دختران و زنان کرد و سایر زنان ایرانی، بود. تأمل در برنامه‌های کنونی رادیویی و تلویزیونی کومه‌له و مطالب منتشرشده در سایت آن گروه، آشکار می‌سازد که کومه‌له همچنان در پی متقاعد ساختن زنان و دختران کرد برای حمایت از اهداف

و مقاصد خویش است. و شگفت آنکه یک دهه و نیم پس از فروپاشی بزرگ‌ترین نظام سوسیالیستی جهان، و منسوخ گشتن بسیاری از آموزه‌های مارکسیستی، کومه‌له همچنان در تبلیغات خویش، وعده ایجاد جامعه بی طبقه «سوسیالیستی!» را سر می‌دهد و از زنان و دختران می‌خواهد تا برای برپایی آن «آتویا» او را یاری دهند!

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که ۱. کومه‌له یکی از گروه‌هایی که نقش درجه اولی در ایجاد و استمرار شورش کردستان در دهه ۶۰ داشت، در تلاشهای تبلیغاتی، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی خویش علیه جمهوری اسلامی، از دختران و زنان کرد «استفاده ابزاری» فراوانی کرد.

۲. کومه‌له از زنان به منظور

- معرفی و اثبات موجودیت خویش،
- جذب اقشار جوان جامعه و افزایش تعداد اعضای خویش،
- شناسایی و مقابله با دوستان و علاقه‌مندان جمهوری اسلامی،
- افزایش روحیه
- ساختن «سپر انسانی» در برابر نیروهای نظام،
- و مقابله و نبرد نظامی با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی،

استفاده کرد.

۳. حضور زنان و دختران در هسته‌های نظامی، تبلیغاتی و سیاسی کومه‌له نقش انکار ناپذیری در استمرار شورش کردستان داشت. چه، کومه‌له پس از عقب نشینی از شهرها و گریختن به مناطق روستایی با از دست دادن بسیاری از اعضای زن شهری خود، به «عضو گیری» از میان دختران جوان روستایی مبادرت کرد. بسیاری از زنان و دخترانی که اینک در کشورهای سوئد و سوئیس، کانادا و

آلمان در کمپهای کومه‌له حضور دارند و گاهی از آنان برای شرکت در تظاهرات علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌شود، اعضای روستایی آن گروه هستند.

۴. کومه‌له همچنان به فعالیت تبلیغاتی خود علیه جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد و در فعالیتهای تبلیغاتی خود هم از زنان و دختران بهره می‌گیرد و هم آنان را مخاطب خویش قرار می‌دهد.

۵. اینک کومه‌له در تلاش است تا با جلب حمایت آمریکا دگر باره شورشی همه جانبه در مناطق کرد نشین ایران به راه اندازد. آن گروه در عملیات روانی خود «زنان و دختران کرد» را بیش از مردان آماج قرار می‌دهد. چه، بر این پندار است که با برانگیختن زنان و دختران کرد علیه نظام، سهل‌تر می‌تواند زمینه و بستر شورش خیالی خود را فراهم سازد.

نقش و کارکرد زنان کرد و غیر کرد در اقدامات ضد شورشگرانه

در یک دهه فعالیت ضد شورشگرانه نیروهای نظام در مناطق کرد نشین، دختران و زنان مومن و انقلابی سهم و کارکردهای متنوع و متعددی داشتند. نیازی به گفتن نیست که تشریح همه آن کارکردها در چنین نوشتاری نمی‌گنجد. از همین رو در سطرهایی که در پی می‌آید تنها برخی از آن نقش‌ها و کنشها مرور می‌شوند.

تشکیل واحدهای خواهران

بلافاصله پس از آزاد سازی شهر سنندج و استقرار نهادهایی نظیر سپاه پاسداران، سازمان پیشمرگان مسلمان کرد و جهاد سازندگی، واحد خواهران نهادهای آن شهرها نیز، فعالیت خویش را آغاز کردند.

واحد خواهران هر نهاد متولی فعالیتهای متنوعی بود. برای مثال « واحد خواهران سازمان پیشمرگان مسلمان کرد» که اکثر اعضای آن را دختران کرد تشکیل می داد، به انجام دادن فعالیتهای زیر مبادرت می نمود

- تشکیل کلاسهای آموزشی ، اعم از آموزشهای سیاسی، عقیدتی، هنری و... برای زنان و دختران کرد،
- سخنرانی در مدارس و محلات،
- توزیع و انتشار نشریات و اعلامیه های سازمان،
- هدایت و اداره متینگهای سیاسی ویژه آنان،
- انتشار بیانیه های سیاسی و تبلیغاتی به مناسبت های مختلف،
- نمایش فیلم در مساجد و محلات.

« واحدهای خواهران سپاه» نیز، که بخش عمده نیروهای آن را خواهران پاسدار و زنان غیر بومی تشکیل می داد، اغلب متولی این فعالیتهای بود:

- پذیرش مسئولیت امداد و درمان بیمارستانها و درمانگاه های منطقه

ارائه خدمات مددکاری به خانواده های نیازمند

- سرکشی به خانواده های ساکن منطقه
- تدریس در مدارس و پذیرش بخشی از فعالیتهای امور تربیتی مدارس

حضور فعال در واحد تبلیغات و انتشارات و روابط عمومی سپاه و مدیریت فعالیت های تبلیغاتی آن واحدها،

- اداره انجمن های اسلامی و کمیته های ویژه خواهران منطقه،

- اعزام مستمر دختران و زنان کرد به اردوهای برون استانی و مدیریت و هدایت آن اردوها.

یکی از زنانی که از همان آغاز فعالیتهای ضد شورشگری به منطقه اعزام شده و بیش از یک دهه به فعالیت در آن دیار پرداخته است درباره فعالیت «خواهران اعزامی» اذعان می کند که

« ما از همان آغاز استقرار در کردستان در بسیاری از فعالیتهای، از برگزاری راهپیمایی و تشکیل کلاسهای آموزشی و انجام خدمات امدادی و درمانی گرفته تا فعالیتهای «نیمچه نظامی»! نظیر نگهداری از محل استقرار خود، بازجویی از زندانیان زن و اداره زندانها، شرکت می کردیم. افزون بر آن، ما به دیدار خانواده های کرد می رفتیم و علاقه و دوستی خود را به آنان ابراز می داشتیم.»

این رزمنده زن خاطر نشان می سازد که

«ما پیش از اعزام به کردستان تصور کم و بیش واژگونه ای از مردم کردستان داشتیم. فکر می کردیم آنها آدمهای خشنی هستند و در کوی و برزن ما را مورد حمله قرار می دهند. خیلی زود دریافتیم که مردم کرد، اعم از زن و مرد، به سبب خصلت کوهستانی استان، مردمی صمیمی، باصفا، مهربان و نعدوست هستند. آنان ما را به گرمی می پذیرفتند و از هیچ کمکی به ما دریغ نمی کردند.»

«واحد خواهران جهاد سازندگی» نیز متشکل از زنان اعزامی و کرد بود. این واحد به طور عمده درگیر فعالیتهایی نظیر توزیع آذوقه بین مردم، کمک مادی به خانواده های کم بضاعت، سخنرانی برای روستاییان و تشکیل کلاسهای سوادآموزی برای زنان و دختران بیسواد روستاها بود. از سال های پس از فروپاشی بحران، این وظیفه به نهضت سوادآموزی سپرده شده بود.

انتشارات

هم سپاه و هم جهاد سازندگی از همان آغاز فعالیتهای ضد شورشگری خود در کردستان، بخشی از تلاشهای خود را معطوف چاپ و انتشار نشریات (نشریاتی نظیر اصحاب انقلاب، ارشاد، فرهنگ قرآنی و یاران امام)، برپایی نمایشگاه ها و فروشگاههای دایمی و دوره ای کتاب (نظیر فروشگاه کتاب قطب سنندج، صلاح الدین مریوان، آزادی قروه) و تأسیس کتابخانه های محله ای و شهری نمودند. در هریک از این بخشها زنان و دختران مومن صاحب قلم و اهل اندیشه، حضور فعال داشتند. به گونه ای که همواره بخشی از مقاله های نشریات «پیش گفته» به وسیله زنان صاحب قلم کرد و اعزامی به منطقه نوشته می شد.

حضور فعال در مدارس دخترانه

نهادهای ضد شورشگر به درستی دریافته بودند که گروه های شورشگر در طی ماه های حضور خود در شهرها و مناطق پر جمعیت، اذهان دانش آموزان را درباره نظام «دستکاری» کرده و نگرشهای نامطلوبی در آنان در این مورد ایجاد نموده اند. به همین سبب، آن نهادها تلاش وسیعی را برای تغییر نگرش دانش آموزان، از ابتدایی تا دبیرستان، مبذول نمودند. به این منظور، گروه هایی از خواهران تحصیل کرده و علاقه مند به نظام را در استانهای مختلف شناسایی کرد و به مناطق کردنشین منتقل نمودند.

این زنان پس از گذراندن جلسات آموزشی و توجیهی، روانه مدارس دخترانه شدند تا ضمن تدریس درسهای مختلف، بر نگرش دانش آموزان درباره نظام تاثیر مثبت بگذارند. خانم عابدی، یکی از زنان اعزامی به کردستان، که بیش از

یک دهه در مدارس کردستان، تدریس کرده است، در گفتگو با نگارنده اذعان داشت:

«در آغاز ورودمان به مدارس با بی مهری دانش آموزان، حتی سایر معلمان، روبرو می شدیم. آنان تصور می کردند ما برای خدمت به مدارس آنها نرفته ایم بلکه رفته ایم تا علیه آنان توطئه سرهم کنیم یا جاسوسی کنیم. اما آنها وقتی با علاقه مثبت و تلاش مجدانه ما در تدریس و کمک به خودشان روبرو شدند کم کم نگرششان دستخوش تغییر شد. مدتی بعد یخها به کلی آب شد و ما در دل دانش آموزان جای گرفتیم و از آن پس بود که ما فعالیتهای دیگر خود، نظیر تشکیل انجمنهای اسلامی، گروه های سرود، گروه شعر خوانی و مولودی خوانی، راه اندازی اردوها و غیره را، آغاز کردیم.»

تلاش برای مجاب سازی مادران کرد

گروهی از زنان و دختران وابسته به نهادهای «پیش گفته» تلاش خود را معطوف مجاب سازی مادران کرد نمودند تا مانع از پیوستن فرزندان آنان به گروه های شورشگر شوند. این گروه از زنان و دختران با اعزام به محلات و روستاهای مختلف و گفتگوی حضوری، خواه فردی یا جمعی، با زنانی که فرزند نوجوان و جوان داشتند می کوشیدند تا با زبانی ساده عواقب پیوستن جوانان به گروه های شورشگر را برای آنان تشریح کنند و از آنان بخواهند تا فرزندان خود را از «به مخاطره انداختن جان خود بازدارند»

دامنه اثر بخشی فعالیتهای ضد شورشگرانه زنان

الیاسی (۱۳۸۰)، طی یک بررسی و مطالعه جامع و پیمایشی، نشان داده است که گرچه در اقدامات ضد شورشگرانه مناطق کرد نشین دهها تن از زنان و

دختران اعزامی و کرد جان خود را از دست دادند، تلاشهای آنان پیامدها و اثرهای متعددی بر جای گذاشت. در سطرهای بعدی برخی از آن اثرها مرور می‌شوند.

۱- فعالیتهای مستمر زنان و دختران کرد و غیر کرد « انگاره ضد کرد بودن نظام » را، که گروه‌های شورشگر آن را القا کرده بودند، از ذهنها زدود. مردم کرد با مشاهده تلاشهای نوع دوستانه زنان حامی نظام، نگرش مطلوبی به نظام، پیدا کردند.

۲- تلاشهای زنان حامی نظام، شمار عظیمی از دختران و پسران را از پیوستن به گروه‌های شورشگر بازداشت.

۳- فعالیت زنان هوادار نظام در زندانها و مدارس موجب پیوستن صدها تن از دختران و زنان کرد به تشکلهای حامی نظام شد.

۴- اقدام آموزشی و تبلیغاتی زنان و دختران کرد و غیر کرد حامی نظام، موجب تغییر نگرش مردم منطقه، بویژه زنان، به نظام شد.

۵- خدمات بی شائبه و روابط صمیمی و خالصانه زنان و دختران حامی نظام موجب شد تا روز به روز از شمار اعضای گروه‌های شورشگر کاسته شده و بر اعضای « سازمان پیشمرگان مسلمان کرد» افزوده شود.

همچنین، نظر سنجی از کارشناسان و مدیران فرهنگی مناطق کرد نشین (الیاسی، ۱۳۸۵) نشان داده که اولاً زنان و دختران حامی نظام سهم مهم و بی بدیلی در فروپاشی شورش کردستان، و کاهش خسارات ناشی از آن، داشته‌اند. ثانیاً حضور زنان حامی نظام در اقدام ضد شورشگرانه در کردستان، موجب شده است تا به فعالیتهای نهادهای نظام به منزله « اقدامات مردمیاری » نه اقدامات نظامی سرکوبگرانه، نگریسته شود. ثالثاً آثار اقدامات مطلوب زنان و دختران حامی نظام همچنان در کردستان پابرجاست.

سرانجام لازم است خاطر نشان شود که نویسنده امیدوار است در نوشتاری دیگر اولاً ابعاد نظری حضور زنان در شورش و ضد شورش را مورد کنکاش دقیق تر و ژرف تر قرار دهد. ثانیاً با رویکردی آینده نگرانه کارکردهای زنان اقوام ایرانی را در مقابله با بحرانهای احتمالی آتی مورد تحلیل قرار دهد.

منابع فارسی

- ۱- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۵). عملیات روانی ضد شورشگری سپاه در بحران کردستان (دهه ۶۰). فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱۲. صص ۳۲-۱۴
- ۲- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۴). مردمیاری فرهنگی سپاه در بحران کردستان. فصلنامه مطالعات بسیج. شماره ۲۵، صص ۴۴-۵
- ۳- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۰). مردمیاری فرهنگی در کردستان. پروژه تحقیقاتی زیر مجموعه پروژه تاریخ کردستان. (منتشر نشده)
- ۴- فوکو، میشل (۱۳۸۴). ایران روح یک جهان بی روح (ترجمه سرخوش و جهان دیده. نشر سایت کومه له (www,Komale.com)
- ۵- چه گوآرا، ارنستو (۱۳۸۳). خاطرات ارنستو چه گوآرا. (ترجمه محمد علی عمویی. تهران: نشر اشاره

Refrene English

- 6- Tinger, I. (1983). Iran revolution. New York: Macgraw - Hill
- 7- Olson, M. et al. (2002). insurgency and Women. Mac Graw-Hill.
- 8- Barth, F. H. (1999). Ethnics Movment OXFORD university Press.